

دانش سیاسی ۲۱

آموزش  
دانش سیاسی  
مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی

نشر نگاه معاصر

## فهرست

۱۱	رسالت	۲۳	رسالت
۱۱	رسالت	۲۴	رسالت
۱۵	رسالت	۲۶	رسالت
۱۶	رسالت	۲۷	رسالت
۱۶	رسالت	۲۸	رسالت
۱۶	رسالت	۲۹	رسالت
۱۶	رسالت	۳۰	رسالت
۱۶	رسالت	۳۱	رسالت
۱۶	رسالت	۳۲	رسالت
۱۶	رسالت	۳۳	رسالت
۱۶	رسالت	۳۴	رسالت
۱۶	رسالت	۳۵	رسالت
۱۶	رسالت	۳۶	رسالت
۱۶	رسالت	۳۷	رسالت
۱۶	رسالت	۳۸	رسالت
۱۶	رسالت	۳۹	رسالت
۱۶	رسالت	۴۰	رسالت
۱۶	رسالت	۴۱	رسالت
۱۶	رسالت	۴۲	رسالت
۱۶	رسالت	۴۳	رسالت
۱۶	رسالت	۴۴	رسالت
۱۶	رسالت	۴۵	رسالت
۱۶	رسالت	۴۶	رسالت
۱۶	رسالت	۴۷	رسالت
۱۶	رسالت	۴۸	رسالت
۱۶	رسالت	۴۹	رسالت
۱۶	رسالت	۵۰	رسالت
۱۶	رسالت	۵۱	رسالت
۱۶	رسالت	۵۲	رسالت
۱۶	رسالت	۵۳	رسالت
۱۶	رسالت	۵۴	رسالت
۱۶	رسالت	۵۵	رسالت
۱۶	رسالت	۵۶	رسالت
۱۶	رسالت	۵۷	رسالت
۱۶	رسالت	۵۸	رسالت
۱۶	رسالت	۵۹	رسالت
۱۶	رسالت	۶۰	رسالت
۱۶	رسالت	۶۱	رسالت
۱۶	رسالت	۶۲	رسالت
۱۶	رسالت	۶۳	رسالت
۱۶	رسالت	۶۴	رسالت
۱۶	رسالت	۶۵	رسالت
۱۶	رسالت	۶۶	رسالت
۱۶	رسالت	۶۷	رسالت
۱۶	رسالت	۶۸	رسالت
۱۶	رسالت	۶۹	رسالت
۱۶	رسالت	۷۰	رسالت
۱۶	رسالت	۷۱	رسالت
۱۶	رسالت	۷۲	رسالت
۱۶	رسالت	۷۳	رسالت
۱۶	رسالت	۷۴	رسالت
۱۶	رسالت	۷۵	رسالت
۱۶	رسالت	۷۶	رسالت
۱۶	رسالت	۷۷	رسالت
۱۶	رسالت	۷۸	رسالت
۱۶	رسالت	۷۹	رسالت
۱۶	رسالت	۸۰	رسالت
۱۶	رسالت	۸۱	رسالت
۱۶	رسالت	۸۲	رسالت
۱۶	رسالت	۸۳	رسالت
۱۶	رسالت	۸۴	رسالت
۱۶	رسالت	۸۵	رسالت
۱۶	رسالت	۸۶	رسالت
۱۶	رسالت	۸۷	رسالت
۱۶	رسالت	۸۸	رسالت
۱۶	رسالت	۸۹	رسالت
۱۶	رسالت	۹۰	رسالت
۱۶	رسالت	۹۱	رسالت
۱۶	رسالت	۹۲	رسالت
۱۶	رسالت	۹۳	رسالت
۱۶	رسالت	۹۴	رسالت
۱۶	رسالت	۹۵	رسالت
۱۶	رسالت	۹۶	رسالت
۱۶	رسالت	۹۷	رسالت
۱۶	رسالت	۹۸	رسالت
۱۶	رسالت	۹۹	رسالت
۱۶	رسالت	۱۰۰	رسالت

مقدمه

### بخش نخست: مبانی علم سیاست نظری

۱. سرشت دانش سیاسی

مفهوم علم سیاست

شان علمی سیاست

سودمندی و اهمیت دانش سیاسی

سابقه علم سیاست به مفهوم جدید

۲. موضوعات و مفاهیم اساسی در دانش سیاسی

دولت

حاکمیت

سیاست

حکومت

ملت

قدرت

قدرت دولتی و سلطه اجتماعی

منازعه قدرت

اقتدار

مشروعیت

۴۳	نفوذ سیاسی
۴۵	۳. مرزهای دانش سیاسی
۴۷	فلسفه سیاسی
۴۹	انسان‌شناسی سیاسی
۵۱	روانشناسی سیاسی
۵۲	جامعه‌شناسی سیاسی
۵۴	اقتصاد سیاسی
۵۵	جمعیت‌شناسی سیاسی
۵۷	ژئوپولیتیک و جغرافیای سیاسی
۵۸	زیست‌شناسی سیاسی
۶۱	۴. نگرش‌ها و روش‌ها در دانش سیاسی
۶۱	رفتارگرایی
۶۵	تحلیل سیستم‌ها
۶۶	نظریه تصمیم‌گیری
۷۰	نظریه مبادله
۷۱	نظریه‌های گزینش عقلانی
۷۲	نگرش گزینش عمومی
۷۳	نظریه بازیها
۷۵	مدل‌های فضایی
۷۶	نظریه ائتلاف
۷۸	نگرش سیبرنتیک
۸۰	نظریه گروهها
۸۳	۵. تحول تاریخی در مفهوم سیاست
۸۴	برداشت واقع‌گرایانه یا سیاست قدرت محور
۸۵	برداشت فلسفی و اخلاقی
۸۷	برداشت حقوقی
۸۹	برداشت مدرن

۹۱	۶. پیشینه تاریخی و نظریه‌های عمومی دولت
۹۱	پیشینه تاریخی
۹۵	نظریه‌های عمومی دولت
۹۹	۷. پایه‌ها و چهره‌های دولت
۱۰۱	وجه اجبار
۱۰۴	وجه ایدئولوژی
۱۰۸	وجه عمومی
۱۱۲	وجه خصوصی
۱۱۷	پویائی نظام‌های سیاسی بر حسب پایه‌های قدرت
۱۲۱	۸. مکاتب و ایدئولوژیهای سیاسی
۱۲۲	محافظه‌کاری
۱۲۴	لیبرالیسم
۱۲۸	مارکسیسم
۱۳۹	سوسیالیسم اصلاح طلب
۱۴۴	آنارشسیسم
۱۴۸	فاشیسم
۱۵۵	۹. نظام‌های سیاسی
۱۵۵	طبقه بندی نظام‌های سیاسی
۱۶۰	اشکال عمومی
۱۶۰	دموکراسی
۱۶۵	دموکراسی اجتماعی
۱۶۷	شبه دموکراسیها
۱۶۹	اقتدار طلبی
۱۷۱	توتالیتریسم
۱۷۴	دولت انداموار (کورپوراتیسم)
۱۷۶	اشکال خاص
۱۷۶	دولت محافظه کار

۲۲۸	برخی از انواع جنگ
۲۳۰	برخی اقدامات جنگی
۲۳۲	برخی استراتژیهای نظامی در عصر سلاحهای هسته‌ای
۲۳۳	صلح
۲۳۹	<b>بخش دوم: مبانی علم سیاست تأسیسی</b>
۲۴۱	مقدمه
۲۴۳	۱. مبانی فکری دموکراسی
۲۴۴	لیبرالیسم
۲۵۰	پراگماتیسم
۲۵۲	نسبی‌گرایی
۲۵۳	اصالت قرارداد
۲۵۷	اصالت رضایت و قبول عامه
۲۵۹	اصالت برابری (برابری مدنی)
۲۶۱	خودمختاری فرد
۲۶۲	قانون و قانونگرایی
۲۶۵	شهروندی
۲۶۸	حاکمیت مردم
۲۷۱	حقوق بشر
۲۷۵	۲. پیشتازان اندیشه دموکراسی
۲۷۹	ارسطو (۲۳۳-۳۸۴ ق.م)
۲۸۰	بنکدیت دو اسپینوزا (۱۶۷۷-۱۶۳۲)
۲۸۱	جان لاک (۱۷۰۴-۱۶۳۲)
۲۸۵	منتسکیو (۱۷۵۵-۱۶۸۹)
۲۸۷	ژان ژاک روسو (۱۷۷۸-۱۷۱۲)
۲۸۹	آلکسی دو توکویل (۱۸۵۹-۱۸۰۵)
۲۹۱	توماس جفرسون (۱۸۲۶-۱۷۴۳)

۱۷۷	دولت لیبرال
۱۷۸	دولت دموکراتیک اولیه
۱۸۰	دولت رفاهی و دموکراسی اجتماعی
۱۸۱	دولت نئولیبرال
۱۸۱	دولت فاشیست
۱۸۳	دولت کمونیستی
۱۸۵	۱۰. تحولات سیاسی
۱۸۶	اصلاحات
۱۸۸	کودتاها
۱۹۰	انتخابات
۱۹۱	انقلابات
۱۹۴	معانی انقلاب
۱۹۶	علل انقلاب
۱۹۸	علل دراز مدت انقلاب
۲۰۰	علل کوتاه مدت انقلاب
۲۰۳	برخی از انواع انقلاب
۲۰۶	مسئله خودجوشی و توطئه در انقلاب
۲۰۸	مراحل انقلاب
۲۰۸	حکومت میانه‌روها
۲۰۹	حکومت رادیکالها یا افراطیون
۲۱۱	ترمیدور
۲۱۳	۱۱. سیاست و روابط بین‌المللی
۲۱۵	سیاست خارجی
۲۲۰	برخی نگرش‌ها در سیاست خارجی
۲۲۲	صورتبندی قدرت دولتها در سطح بین‌المللی
۲۲۴	جنگ
۲۲۷	حقوق جنگ

۲۹۲	جیمز مادیسون (۱۸۳۶ - ۱۷۱۵)
۲۹۳	اندر و جکسون (۱۸۴۵ - ۱۷۶۷)
۲۹۴	جان استوارت میل (۱۸۷۳ - ۱۸۰۶)
۲۹۷	ویلیام جیمز (۱۹۱۰ - ۱۸۴۲)
۲۹۷	جان دیویی (۱۹۵۲ - ۱۸۵۹)
۲۹۹	هارولد لاسکی (۱۹۵۰ - ۱۸۹۳)
۳۰۰	هارولد لاسول (۱۹۷۸ - ۱۹۰۲)
۳۰۱	ژوزف شوپنتر (۱۹۵۰ - ۱۸۸۳)
۳۰۲	رمون آرون (۱۹۸۳ - ۱۹۰۵)
۳۰۳	ایزایا برلین (۱۹۹۷ - ۱۹۰۹)
۳۰۴	موریس دوورژه
۳۰۵	کارل پوپر (۱۹۹۴ - ۱۹۰۲)
۳۰۶	رابرت دال
۳۰۷	سیمون مارتین لیپست
۳۰۸	آنتونی داووز
۳۱۱	۳. پیشینه‌های تاریخی و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی دموکراسی
۳۱۲	زمینه‌های تاریخی
۳۱۸	سرمایه‌داری و دموکراسی
۳۲۰	زمینه‌های اجتماعی
۳۲۴	جامعه مدنی
۳۳۰	زمینه‌های فرهنگی و فرهنگ سیاسی
۳۳۵	شخصیت دموکراتیک
۳۳۷	۴. مبانی حکومت دموکراتیک
۳۳۷	حقوق مدنی
۳۴۱	اصل نمایندگی
۳۴۴	حکومت جمهوری
۳۴۶	تفکیک قوا

۳۴۹	نظارت قوا بر یکدیگر
۳۵۱	پارلمان و پارلمان‌تاریسم
۳۵۵	ساختار پارلمان
۳۵۹	دموکراسی پارلمانی و دموکراسی ریاستی
۳۶۱	فرایند تشکیل دولت
۳۶۵	کابینه دولت
۳۶۷	تشکیل ائتلاف
۳۶۹	اشکال تصمیم‌گیری در دموکراسی‌ها
۳۷۰	مسئولیت‌پذیری حکام و مقامات سیاسی
۳۷۱	مسئولیت مقامات انتخابی
۳۷۲	مسئولیت مقامات غیرانتخابی
۳۷۵	۵. عملکرد دموکراسی: احزاب و انتخابات
۳۷۵	مشارکت سیاسی
۳۷۹	گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ
۳۸۲	احزاب سیاسی
۳۸۷	نظام‌های حزبی
۳۹۴	نظام‌های انتخاباتی
۳۹۹	انتخابات غیرمستقیم
۴۰۱	مبارزات انتخاباتی
۴۰۳	نظارت بر انتخابات
۴۰۵	معرفی و گزینش نامزدهای انتخاباتی
۴۰۹	افکار عمومی
۴۱۳	مراجعه به آراء عمومی
۴۱۷	۶. انواع دموکراسی
۴۲۱	دموکراسی مستقیم
۴۲۵	دموکراسی اجتماعی
۴۲۷	دموکراسی صنعتی

۴۲۸	دموکراسی مسیحی	
۴۳۱	دموکراسی‌های مبتنی بر اصل نمایندگی منافع و گروه‌ها	۴۳۲
۴۳۲	دموکراسی چندقومی	۴۳۳
۴۳۴	دموکراسی صنفی	۴۳۵
۴۳۵	۷. توجیها و نقدهای دموکراسی	۴۳۶
۴۳۶	دفاع از دموکراسی	۴۳۷
۴۳۷	حکومت بر خود موجه‌تر از حکومت بر دیگران است	۴۳۷
۴۳۷	توجیه دموکراسی بر اساس برابری طبیعی انسان‌ها	۴۳۸
۴۳۸	توجیه دموکراسی بر اساس فایده	۴۳۹
۴۳۹	توجیه دموکراسی بر اساس مصلحت اندیشی انسان‌ها	۴۳۹
۴۳۹	توجیه دموکراسی بر اساس پیوند دموکراسی با صلح‌طلبی	۴۴۰
۴۴۰	توجیه دموکراسی بر اساس تضمین توسعه اقتصاد سرمایه‌داری	۴۴۰
۴۴۰	نقدهای دموکراسی	۴۵۱
۴۵۱	۸. گذار به دموکراسی و چشم‌انداز آینده آن	۴۵۲
۴۵۲	امواج دموکراسی	۴۵۷
۴۵۷	سنجش شاخص‌های دموکراسی	۴۵۹
۴۵۹	چشم‌انداز آینده	
۴۶۹	منابع	
۴۷۰	نمایه اعلام	
۴۷۵	نمایه مکان‌ها	

### مقدمه

در جوامعی که مشارکت و رقابت سیاسی در آنها گسترش می‌یابد و عامه مردم حضور فزاینده‌ای در عرصه فعالیت‌های سیاسی پیدا می‌کند، نیاز به آموزش مدنی به نحو فزاینده‌ای آشکار می‌گردد. منظور از آموزش مدنی، انتقال آگاهیها و دیدگاههایی به عامه مردم است که آنها را هر چه بیشتر برای احراز شأن شهروندی در جامعه‌ای مردم‌سالار آماده سازد. هسته اصلی آموزش مدنی را اطلاعات و آگاهیهایی تشکیل می‌دهد که در دانش سیاست گردهم می‌آیند. اگر بتوان گفت که سرشت نظام سیاسی در هر کشوری به نگرش‌های اکثریت مردم در آن بستگی دارد، در آن صورت آموزش دانش سیاسی در سطحی گسترده‌تر از مراکز علمی و دانشگاهی می‌تواند بر سرشت نظام‌های سیاسی تأثیر بگذارد. نظام‌های سیاسی مدرن از هر نوعی به پشتیبانی و نظر مثبت اکثریت مردم خود نیاز دارند و از همین رو انفعال سیاسی و اشتغال خاطر عامه مردم به مسائل مربوط به حوزه خصوصی زندگی، هم شأن شهروندی به عنوان فضیلتی مدنی و

سیاسی را تضعیف می‌کند، و هم از گسترش حوزه عمومی زندگی جلوگیری می‌نماید. آموزش مدنی و سیاسی ممکن است با دادن آگاهیهای لازم از گسترش چنین وضعی جلوگیری کند. حتی وقتی اکثریت مردم حضور و فعالیت سیاسی پیدا می‌کنند، نیاز به آموزش مدنی و سیاسی همچنان ادامه می‌یابد و چه بسا شدیدتر هم می‌شود؛ زیرا اکثریت‌های سیاسی و فکری، گاه تمایل به نادیده گرفتن حقوق اقلیت‌ها پیدا می‌کنند و به گفته برخی منتقدین، استبداد اکثریت کم از استبداد اقلیت نیست. بنابراین هدف آموزش مدنی آن است که مردم را برای حضور در زندگی سیاسی به شیوه‌ای دموکراتیک تربیت کند.

از سوی دیگر، در دولت‌های مدرن، سیاستمداران نیز نیازمند آموزش سیاسی هستند. امروزه سیاستمداری، حرفه خاصی به شمار نمی‌رود و نیازمند کارشناسی و تخصص نیست، بلکه در دموکراسیهای امروز، عامه مردم با احراز حداقل شرایط حق دارند به پارلمانها و از آنجا به درون دولت‌ها راه یابند. با این حال قانونگذاری، وضع سیاست‌ها، و تصمیم‌گیری در عرصه سیاست نیازمند برخی آگاهیهای کارشناسانه است؛ پس توفیق در کسب مناصب سیاسی به معنی بی‌نیازی از آموزش در دانش سیاسی نیست، بویژه آنکه دولت‌های مدرن نهادها و ساختارهای پیچیده‌ای دارند و اداره آنها کار ساده‌ای نیست. بعلاوه آموزش مدنی برای سیاستمداران لازم است، تا دریابند که سیاست و حکومت حرفه‌ای صرفاً خصوصی نیست که در آن تنها منافع و مصالح حکام در نظر گرفته شود، بلکه سیاستمداران واقعی باید بتوانند مصالح عموم را نیز در نظر بگیرند و

از اراده عمومی برخوردار باشند. بنابراین آنچه گفته شد، هدف آموزش مدنی، هم نظری و علمی و هم اخلاقی است و در آن هم شهروندان و هم سیاستمداران مورد نظر هستند. امروزه هدف نهایی از آموزش دانش سیاسی در سطح عمومی، هم پرورش شهروندان برای زندگی مدنی و سیاسی و هم آموزش سیاستمداران در انجام کارویژه‌های خود به بهترین شیوه ممکن باید باشد. در عصر جدید سیاست دیگر به درون دیوارهای کاخ‌ها و دژهای حکومتی محدود نیست، بلکه جزئی از زندگی عمومی شده است؛ از این رو آموزش مدنی و سیاسی شهروندان و به ویژه جوانان به آنها امکان می‌دهد تا خود را برای تأمل درباره مسائل و سیاست‌های عمومی و مشارکت در حل آنها، آماده سازند.

در نگارش کتاب حاضر چنین اهدافی در نظر بوده است؛ به نظر می‌رسد که با گسترش مشارکت و رقابت سیاسی در ایران، آموزش دانش سیاسی دست کم به یکی از نیازهای عمومی دانشجویان و حتی دانش‌آموزان تبدیل شود.



از یک چشم‌انداز کلی می‌توان علم سیاست را به دو حوزه اصلی تقسیم کرد: یکی علم سیاست نظری یا "طبیعی" و دوم علم سیاست "عملی" یا "تأسیسی". علم سیاست نظری یا طبیعی، مجموعه مطالبات تاریخی، جامعه‌شناسانه، روانشناسانه و انسانشناسانه درباره رفتارهای طبیعی انسان در حوزه سیاست، انگیزه‌های رفتار سیاسی،